###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

#### واحدرودهن

## **موضوع:**

**بررسي رابطه بين روش شاگرد محور و رشد و پرورش خلاقيت دانش‌اموزان دختر مقطع متوسطه منطقه 8 تهران**

**استاد :**

**دانشجو:**

**فهرست مطالب**

**عنوان صفحه**

**فصل اول**

مقدمه

موضوع تحقيق

فايده ، هدف و اهميت تحقيق

فرضيه تحقيق

تعريف اصطلاحات

تعريف عملياتي

**فصل دوم**

پيشينه تحقيق

تاريخچه تعليم و تربيت

تعليم و تربيت در جوامع بدوي

سنت آفريقايي در تعليم و تربيت

پيدايش مدارس

رابطه‌ي يك جانبه‌ي استاد و شاگرد

سنت آسيايي در تعليم و تربيت

تعليم و تربيت اسلامي

ظهور عصر جديد

انقلاب صنعتي

در آستانه‌ي عصر حاضر

اوضاع كنوني

شيوه تدريس در گذشته

ماهيت روش تدريس

عوامل موثر تدريس

1- ويژگي‌هاي شخصيتي و علمي معلم

الف ) تاثير شخصيت و رفتار معلم بر فرآيند تدريس

ب) تاثير شخصيت علمي معلم بر فرآيند تدريس

2- ويژگي‌هاي شاگردان و تاثير آن بر فرايند تدريس

3- تاثير برنامه و ساخت نظام آموزشي ، بر فرآيند تدريس

4- تاثير فضا و تجهيزات آموزشي بر فرايند تدريس

روشهاي مختلف تدريس

انواع روشهاي سنتي تدريس

روش حفظ و تكرار

روش سخنراني

مراحل اجراي روش سخنراني

مرحله‌ي اول : آمادگي براي سخنراني

مرحله‌ي دوم :مقدمه سخنراني

مرحله‌ي سوم: متن و محتواي سخنراني

مرحله‌ي چهارم: جمع‌بندي و نتيجه‌گيري

روش پرسش و پاسخ

روش پرسش و پاسخ بر سه اصل متكي است

روش نمايشي

مراحل اجراي روش نمايشي

روش ايفاي نقش

مراحل اجراي روش ايفاي نقش

روش گردش علمي

روش بحث گروهي

روش آزمايشي

روشهاي تدريس جديد

روشهاي آموزش انفرادي

آموزش برنامه‌اي (PI)

آموزش به وسيله كامپيوتر ( CAI)

آموزش انفراي تجويز شده (IPI)

آموزش انفرادي هدايت شده ( IGE)

**بخش دوم :**

تاريخچه‌ي خلاقيت

نوآوري در يونان باستان

خلاقيت در قرن نوزدهم

خلاقيت در قرن بيستم

ابعاد خلاقيت

نيازهاي افراد خلاق

1. نياز به كنجكاوي
2. نياز به رقابت ودرگيري بامسايل و مشكلات
3. مسئوليت‌ پذيري
4. نياز به صداقت و جستجوي حقيقت
5. نياز به تفاوت و استقلال

نقش معلمان در باروري خلاقيت

نقش معلم در بارور كردن خلاقيت دانش‌آموزان

به 2 مرحله تقسيم مي‌شود

الف – چگونگي تدريس به روش مشكل‌گشايي

ب- تفكر خلاق

نقش معلم در ايجاد جو مطمئن ودلگرم كننده در كلاس

نقش مدرسه در توسعه خلاقيت دانش آموزان

راهبردهايي در پرورش خلاقيت

عوامل موثردر خلاقيت

الف – نقش اطلاعات در خلاقيت

ب- انگيزش و خلاقيت

پ- خلاقيت وميزان قبولي از خود

ت – رابطه محيط اجتماعي و خلاقيت

نتيجه

روشهاي پرورش خلاقيت

1. تجربه براي ايده جويي سوخت مي‌سازد
2. بازيهاي فكري- حل معما و جدول
3. سرگرميها و هنرهاي زيبا
4. خلاقيت با مطالعه پيشرفت ميكند
5. نويسندگي به عنوان يك تمرين خلاقيت
6. تمرين درحل مسائل

عواملي كه مانع خلاقيت مي‌شوند

1- عادات پيشين مانع حل مسائل‌اند

2- دلسرد كردن خود به عنوان يك عامل بازدارنده

3- كم رويي مانع خلق ايده‌هاست

4- تشويق ، ايده‌يابيرا پرورش ميدهد

5- نزديكان بهترين تشويقاند

**فصل سوم**

روش تحقيق

1. موضوع تحقيق
2. جامعه تحقيق
3. نمونه تحقيق
4. چگونگي نمونه‌برداري
5. توضيح درباره نمونه‌ها
6. ابزارتحقيق
7. روش اجراي تحقيق
8. ابزار تحقيق
9. تحليل آماري

**فصل چهارم**

جداول آماري

جداول آماري

جداول آماري

جدال آماري

تجزيه و تحليلهاي آماري

محاسبات آماري توصيفي

نتايج

تفسير

**فصل پنجم :**

خلاصه

انواع روش تدريس

روشهاي سنتي تدريس

روشهاي جديد تدريس

روش تدريس شاگرد محور

روش تدريس معلم محور

مشكلات و محدوديتها

پيشنهادات

فهرست منابع فارسي

فهرست مجلات و نشريات

فهرست پايان نامه

فهرست منابع خارجي

ضمائم

پرسشنامه محقق (‌جهت سنجش - روش تدريس )

پرسشنامه خلاقيت

فصل اول

**مقدمه**

نظامهاي آموزشي و فعاليتهاي حاكم بر آن ،‌ با توجه به پيشرفت جوامع ،‌همواره دستخوش تغيير وتحول است و تحول آموزشي ، خود معلول تحول اجتماعي وتحول علوم و تكنولوژي است زيرا در يك جامعه ساده ،‌نيازها ساده و روش ارضاي نيازها نيز ساده است .

در چنين جوامعي دايره‌ي آموختنيها گاهي آنچنان محدودند كه هر كسي مي‌تواند ادعا كند و بگويد :« هر آنچه آموختني است فرا گرفتم .» ولي در جوامع پيچيده و پيشرفته ، سرعت تحول نظامهاي آموزشي آنچنان سريع است كه هر چند سال يكبار ، در ساختار نظام آموزشي دگرگوني كلي ايجاد مي‌شود ،‌ و اين تحول به حدي است كه گاهي كساني سخن از جامعه بي‌مدرسه به ميان مي‌آورند . بهترين دليل در دنياي امروز ، با توجه به پيشرفت سريع علوم وتكنولوژي ، نه مي‌توان به تمام دانش موجود دست يافت ، و نه مي‌توان هر متخصصي را با هر خصوصيتي به كار تدريس و معلمي وا داشت .

با پيشرفت علوم و فنون و پيچيده شدن جوامع،‌نيازهاي فردي و اجتماعي نيز پيچيده مي‌شوند . ارضاي نيازهاي پيچيده نيز درجاي خود ، احتياج به علوم و فنون پيچيده دارد . كسب علوم و فنون پيچيده در سايه‌ي روشهاي آموزشي پيچيده امكان پذير است . به اين جهت وظيفه و مسئوليت معلم امروز نسبت به گذشته سنگينتر و پيچيده‌تر شده است ديگر نميتوان با روشهاي سنتي ، جامعه و افراد آنرا به سوي يك تحول پيچيده و پيشرفته سوق داد .

در دنياي پيچيده هيچكس بي نياز از تعليم و تربيت نيست . امروز فعاليت در مدرسه وآموختن ود بخش عظيمي از زندگي انسانها شده است ،‌ديگر نميتوان با طرز تلقي گذشته ، به شاگرد و تربيت او نگريست آنهايي كه با روشهاي سنتي آموزش ديده‌اند ميدانند كه چگونه نشستن سر كلاس،‌گوش دادن به صداي يكنواخت معلم ، از بر كردن بدون فهم مطالب درسي ، دلهره واضطراب ناشي از امتحان ،‌ و سرزنش معلمان و والدين چگونه موجب نفرت وگريز دانش‌آموزان از كلاس درس و محيط آموزشي مي‌گرديد .

اولين گام براي موفقيت در كار معلمي ، ايمان به رسالت معلم و عشق ورزيدن به شاگردان است . اگر معلمان به انسانهايي كه ماهها و سالها با آنها سروكار دارند علاقمند نباشند و نتوانند ارتباط سالم با آنها برقرار كنند چگونه ممكن است بر آنها تاثير بگذارند و موجب تغيير و تحول آنان شوند .

معلم بايد از ويژگيهاي شخصيتي مطلوبي نيز برخوردار باشند ، زيرا شخصيت او، وعلاقه و ايمانش از عوامل بسيار مهم و موثر در فرآيند آموزش است . يك معلم خوب در درجه اول بايد انسان خوبي باشد ، مگر نه اينكه وظيفه او همچون وظيفه انبياء است ،‌ومگر نه اينكه به بسياري از بزرگان و مصلحان اجتماعي ، صفت معلم و مربي بزرگ داده‌اند .اگر انسان بودن وانسان دوستي در هسته‌ي مركزي فعاليتهاي معلمان قرار نگيرد ، هرگز دركار خود موفق نخواهند بود .

علاوه بر برخورداري از شخصيت برجسته ، آگاهي و شناخت معلمان از اصول و روشهاي تعليم و تربيت عامل مهم ديگري است كه ميتواند معلمان را دركار خود موفق سازد . امروزه كار معلمان همچون مشاغل ديگر به تخصصهاي ديگري نياز دارد . معلم امروز بدون آگاهي از روانشناسي ، فلسفه و اصول يادگيري، روشها و فنون تدريس ، هرگز قادر نخواهد بود وظيفه‌ي خطير خود را به نحو شايسته انجام دهد . امروز معلمان نمي توانند صرفاً به اتكاي داشتن مدرك ديپلم يا ليسانس وارد كلاس شوند ، زيرا شناخت شاگردان و آگاهي از فرآيند تدريس ،نخستين نيازي است كه هر معلم كار آمد بايد احساس كند . معلم بايد قادر باشد با شناخت شاگردانش محتواي آموزشي را تا حد امكان ، براساس نيازهاي آنان انتخاب كند و با در نظرگرفتن توانائيهاي ايشان به ايجاد وضعيت مطلوب آموزشي اهتمام ورزد ، او بايد ضمن هماهنگي لازم بين ويژگي‌هاي فردي و فعاليتهاي آموزشي ، آموزش و يادگيري را براي آنان به صورت تجربه‌اي شيرين و لذت بخش درآورد .

اگر شاگردان بتوانند درحين آموزش و پرورش ، استعدادهايشان را شكوفا سازند و پيوسته احساس موفقيت كنند ، و در مدرسه فرصت بررسي مسايل شخصي و اجتماعيشان را داشته باشند . به راحتي مي‌توانند ارزشهاي اجتماعي و فرهنگي شايسته خود را بدست آورند و از احساس بي‌كفايتي و بيگانگي اجتماعي كه معمولاً ناشي از عملكرد غلط معلمان در مدرسه است ، درامان باشند . معلم اگر با اصول و مباني و هدفهاي آموزشي و پرورش ، ويژگي‌هاي شاگردان و نياز آنان ، روشها و فنون تدريس و ساير مهارتهاي آموزشي آشنايي نداشته باشد هرگز قادر نخواهد بود زمينه‌ي شكوفايي استعداد و خلاقيت شاگردان خود را فراهم كند .

**موضوع تحقيق**

بررسي رابطه بين روش تدريس شاگرد محور و رشد و پرورش خلاقيت در دانش آموزان دختر دوره‌ي متوسطه‌ي منطقه 8 تهران

**فايده ، هدف و اهميت تحقيق**

آشنايي با روشها ، فنون تدريس و الگوهاي تدريس كه جزو فعاليتهاي آموزشي ضمن خدمت تدريس و محسوب مي‌شوند و بكارگيري آنها ، موجب مي‌شود كه هدفهاي تعليم و تربيت با سهولت بيشتر و در مدت زمان كوتاهتري تحقق يابند.

تدريس كار آساني نيست ، معلم در تدريس با عوامل مختلف و متعددي سروكار دارد ، كه كنترل مجموعه‌ي آنها ممكن است محيطي را بوجود آورد كه در آن يادگيري مطلوب و موثر صورت گيرد بدون شك عواملي همچون شخصيت معلم زمينه‌هاي علمي وتجربي او ، زمينه وروابط اجتماعي و خانوادگي شاگردان ، اهميت موضوع درس ومسايل بيشمار ديگري در كيفيت تدريس معلم تاثير دارند .

نقش اصلي و حساس معلم در امر آموزش و پرورش بر هيچكس پوشيده نيست ، همه انديشمندان مربيان وهمه افرادي كه به نحوي از انحاء در ارتباط با آموزش و پرورش هستند با ديدگاه‌هاي خاص خود از معلم و نقش حساس او در وادي تعليم و تربيت سخنها گفته‌اند .

دانش آموزان ، مسئولان ، والدين ، برنامه‌ريزان ، دانشمندان هم به معلم و كار او چشم دوخته‌اند واز او انتظارات فراواني دارند ، چون همگي بر اين عقيده‌اند كه معلم مي‌تواند جامعه‌اي را متحول ودرجهت اهداف مشخص هدايت كند .

امام خميني مي‌فرمايند : مقام معلم مقام والايي است ، مقامي است كه خداوند آن را معظم شمرده لكن مسئوليت نيز بزرگ است .

خوشبختانه اكثر معلمان ما به اهميت نقش خود به خوبي آگاهند نكته‌ي مورد توجه اين است كه در اين رابطه وظيفه خود را چه ميدانند ؟ آيا مي‌پندارند كه وظيفه معلم فقط درس دادن در چهارچب يك برنامه‌ي درسي رسمي است . كه در قالب يك كتاب درسي در اختيار او قرار گرفته و بايد به شكل يك برنامه درسي آموزشي توسط او تغيير حالت يافته ؟ و بدين وسيله وظيفه درس دادن بصورت ياددادن در حيطه‌ي عمل و تجربه قرار گيرد .

در اينجا نكته ديگري مطرح مي‌شود و آن فرق بين درس دادن و ياد دادن است نكته ‌ي بسيار ظريف وحساسي است . جواب دادن به اين نكته مي‌تواند مقداري از مشكلات عديده‌ نظام آموزشي را چاره سازي نمايد ، يكي از معضلات آموزشي ، ما كمبود فضاي ساختماني و در نتيجه كمبود كلاسهاي درس است و اجباراً تعداد دانش آموزان در اكثر كلاسها فراوان شده است و با حد استاندارد ، فاصله‌هاي زياد و غير معقولي دارد . روشن است كه در يك كلاس متراكم ، تفاوتهاي فردي دانش آموزان زياد است ودانش آموزان يك كلاس ، اختلاف زيادي از نظر رشد اجتماعي ، فرهنگي و استعدادهاي يادگيري دارند . اين امر خود منجر به گوناگوني توانائيهاي يادگيري بين دانش آموزان مي‌شود و در بسياري از موارد ، ناتوانائيهاي يادگيري مقطعي را در بين دانش آموزاني كه حتي داراي سطح يادگيري نرمال هستند ، بوجود مي آورد . و اما با طرح چنين مسايلي ، پر واضح است كه فايده چنين تحقيقي روشن خواهد گرديد . با اجراي چنين تحقيقاتي و البته مطالعه و بررسي نتايج بعمل آمده توسط معلمان گرامي ، ودانشجوياني كه در آينده به اين شغل مهم وارد مي‌شوند باعث مي‌شود كه آنها روشهاي بهينه و خلاق در تدريس ،‌ معضلات نظام آموزشي ، نيازهاي دانش آموزان ، و توجه به استعدادها و توانائيهاي دانش آموزان با درنظرگرفتن تفاوتهاي فردي را توجه داشته باشند و در امر تدريس از اين نكات بهره گيرند ، البته اين مطلب دليل بر اين نيست كه همه معلمان عزيز و گرامي ما آگاه به روشها وفنون تدريس نيستند، ليكن هستند معلماني كه اصلاً با اين واحد دانشگاهي( روشها و فنون تدريس ) آشنايي ندارند و فرصت كافي جهت مطالعه كتب گوناگون در اين زمينه نيز برايشان ميسر نيست و اين تحقيق كه چكيده و خلاصه اي است از مطالب نظريه‌ها و تحقيقات متعدد است راهگشاي آنها خواهد بود انشاء الله .

هدف اين تحقيق هم در راستاي اين مهم است كه بهترين روشهاي تدريس كه مطابق با نياز و خواسته دانش آموزان و در نظرگرفتن روحيات و استعدادهاي آنان مي‌باشد را بررسي كرده وروشن شود كه روش شاگرد محور چقدر مي‌تواند قدرت خلاقيت دانش آموزان را افزايش دهد .

با توجه به اينكه فلسفه اهم تعليم وتربيت كشور ما ، انتقال مفاهيم ودانش به دانش آموزان است ، اين تحقيق برآنست تا مضرات ناشي از اين فلسفه را موشكافي كند وسعي در توجه به خواست دانش آموزان ، كشف استعدادها ، و افزايش كيفيت تدريس را در نظر دارد .

اهميت اين تحقيق هم در اين مي باشد كه در زمينه‌ي تأثير روش تدريس بر خلاقيت نيز تا آنجائيكه بررسي كرده‌ام تحقيقات خاصي صورت نيافته ، گر چه اين تحقيق خالي از ضعف نمي‌باشد وليكن از جمله موضوعاتي است كه كمتر روي آن تأمل شده است وانشاالله اگر مطابق با آنچه كه فرض كرده‌ام ، تحقق يابد ، راهگشايي است براي علاقمندان و دوستاني كه به اين موضوعات علاقه‌مند مي باشند ،انشاء الله .

**فرضيه تحقيق**

ميزان خلاقيت دانش آموزاني كه با روش تدريس شاگرد محور (ارگانيستيك ) آموزش مي‌بينند از ساير دانش آموزاني كه با روش تدريس معلم محور ( مكانيستيك ) آموزش داده مي شوند بيشتر است .